

یک روز مردی خیلی خجالتی رفت توی یک کافی شاپ.
چند دقیقه که نشست توجهش به یک دختر خوشگل که کنار میز بار نشسته بوده جلب شد.
نیم ساعتی با خودش کلنجار رفت و بالاخره تصمیمش رو گرفت و رفت سراغ دختر و باخجالت بهش گفت: می تونم
کنار شما بشینم و یه گپی با همدیگه بزنینم و بیشتر آشنا بشیم؟

دختر ناگهان و بی مقدمه فریاد زد: چی؟! من هرگز امشب با تو نمی خوابم؟ همه مردم توجهشون جلب شد و چپ چپ
به مرد نگاه کردند و سری تکون دادند.
مرد بیچاره سرخ و سفید شد و سرشو انداخت پایین و با شرمندگی رفت نشست سر جاش.

بعد از چند دقیقه دختر رفت کنار مرد نشست و با لبخند گفت: من معذرت میخوام.
متاسفم که تو رو خجالت زده کردم.
راستش من فارغ التحصیل روانپزشکی هستم و دارم روی عکس العمل مردم در شرایط خجالت آور تحقیق می کنم.

مرد هم ناگهان فریاد زد: چی؟ منظورت چیه که ۲۰۰ دلار برای یه شب می گیری؟
سپس آروم گفت: منم وکیلیم میدونم چه جوری از حق کسی دفاع کنم.